

«یتیم» و مسائل آن از منظر قرآن و روایات

سید رضا مؤدب*

تاریخ دریافت: ۹۷/۱/۱۲

محمود قاسم زاده خشکرودی**

تاریخ پذیرش: ۹۷/۳/۴

چکیده

یتیم و حقوق آن از جمله مسائل مهم اجتماعی محسوب می‌شود. با توجه به اهمیت چندجانبه «یتیم» و اولویت داشتن آیات قرآن و روایات معصومین برای کاوش نگاه اسلام، این نوشتار به دنبال آن است که با نگاهی دقیق‌تر، برخی از مفاهیم و موضوعات پیرامون ایتم را ارائه یا بازنمایی کند. به این منظور، ضمن بررسی معنای یتیم، آیات قرآن و روایات معصومین که حقوق و تکالیفی را در قبال ایتم متذکر شده‌اند مورد بررسی قرار گرفت. از نگاه اهل لغت، یتیم کسی است که در شرایط تنهایی و نیازمندی به سر می‌برد و فاقد ناظر اصلی باشد، اما یتیم در لسان روایات معصومین (ع) علاوه بر یتیم مرسوم، به افراد جدامانده از امام و شریعت هم اطلاق شده و از آن به «یتیم آل محمد (ص)» تعبیر شده است. شرایط یتیم آل محمد (ص) به مراتب از یتیم معمول سخت‌تر بوده و البته سرپرستی آن‌ها نیز آثار مضاعفی را انتظار می‌کشد.

کلیدواژگان: یتیم، جایگاه، آل محمد (ص)، تکریم، مال، کفالت.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مقدمه

اسلام به عنوان دین زندگی، مجموعه معارف و تعالیمی را به انسان عرضه نموده که راهنمای او در پیمودن مسیر بندگی باشد. این معارف محدود به حوزه‌ای خاص نبوده و در جای‌جای زندگی فردی و اجتماعی انسان‌ها بروز و ظهور حضور دارد (برای نمونه نک: رستمی نسب، ۱۳۹۶: ۳۸). می‌توان گفت در این مجموعه عظیم معارف، درباره «یتیمان» و مسائل مربوط به آنان نیز سخن‌هایی آمده است که نیازمند بررسی و تحقیق هستند. وجود «یتیم» در جامعه امری اجتناب‌ناپذیر است زیرا شاهد حضور همیشگی عوامل بوجود آورنده یتیم در جامعه هستیم. این افراد هرچند در ظاهر، دچار محرومیت و فقدان سرپرست شده‌اند اما لطف و رحمت الهی بر آنان سایه دارد و دیده می‌شود نه فقط در اسلام، بلکه در سایر ادیان نیز نسبت به حفظ حقوق «ایتام» و ضرورت تعهد در قبال ایشان، تذکراتی صورت پذیرفته است (نک: بقره/۸۳). با توجه به نگاه ویژه‌ای که اسلام به جامعه و افراد آن دارد، می‌توان گفت که بیش از هر دین و آیینی، به بیان راهنمایی برای بهبود وضعیت ایتام پرداخته است. با عنایت به حساسیت و اهمیت اجتماعی مقوله «ایتام» و نیز وجود موضوعات باقیمانده در این رابطه، بررسی مجدد مفهوم یتیم و مسائل آن ضروری به نظر می‌رسد.

پیشینه تحقیق

سابقه این بحث از یک نظر، به آیات قرآن و روایات معصومین (ع) باز می‌گردد و دسته‌بندی‌های صورت گرفته در کتب حدیثی مانند کتاب «الکافی»، «تهذیب الأحکام»، «بحار الأنوار»، «وسائل الشیعه» و «میزان الحکمه»، می‌تواند از جمله پیشینه‌های این بحث قلمداد گردد. تا آنجا که نگارنده بررسی کرده، تا کنون پژوهش‌هایی مستقلی نیز پیرامون یتیم در فرهنگ اسلامی انجام گرفته است و مهم‌ترین آن‌ها کتاب «یتیم در قرآن و حدیث» نوشته ملیحه علمچی میبیدی و مقالات «یتیم و یتیم‌نوازی در اسلام» نوشته محمد مهدی فجری و «اکرام ایتام و آثار آن» نوشته حسین تربیتی می‌باشد. می‌توان گفت که این موارد، با همه تلاشی که به کار برده‌اند، به برخی از نکات تاریخی، قرآنی و روایی نپرداخته، و شاید اساساً چنین

مقصودی نداشته‌اند. برخی ناظر به مسایل تکریم ایتام بوده و برخی با وجود پرداخت گسترده به مسایل ایتام، توسعه معنایی یتیم در روایات را به میزان کافی تبیین نکرده‌اند. از این رو، در نوشتار حاضر علاوه بر جمع‌آوری و دسته‌بندی مجدد مجموعه‌ای از آیات و روایات، توجه متناسب به شرایط تاریخی مورد نظر بوده تا گزارشی جامع و دقیق‌تر از نگاه اسلام به ایتام صورت پذیرد؛ هرچند نگارنده مدعی احصای کامل مطالب باقی مانده نیست.

واژه‌شناسی یتیم

۱. معنای لغوی

صفت مشبه «یتیم» از ریشه «یتم» به معنای تنهایی و جدایی از وابسته‌اش است؛ نوشته‌اند «الْيَتِيمُ: الْإِنْفِرَادُ» (نک: ابن‌سیده، ۱۴۲۱، ۵۲۹/۹؛ ابن‌اثیر، ۱۳۶۷، ۲۹۲/۵؛ فیروزآبادی، ۱۴۱۵، ۱۷۲/۴) و «الأصل الواحد في المادة هو انقطاع عما يتعلق به» (مصطفوی، ۱۴۳۰، ۱۵/۱۴).

یتیم مصادیق گوناگونی دارد و به اعتبار مختلف، عنوان یتیم بر آن اطلاق می‌شود:

۱- گاهی یتیم به معنای انفراد و تنهایی است (نک: صاحب، ۱۴۱۴، ۴۷۹/۹؛ ابن‌سیده، ۱۴۲۱، ۵۲۹/۹؛ ابن‌اثیر، ۱۳۶۷، ۲۹۱/۵ و ۲۹۲) و از این رو به درّی که کم‌نظیر باشد «دَرَّةٌ يَتِيمَةٌ» می‌گویند (نک: جوهری، ۱۳۷۶، ۲۰۶۴/۵؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۸۸۹؛ فیومی، ۱۴۱۴: ۶۷۹).

۲- گاهی یتیم به معنای بروز احتیاج و فقدان تکیه‌گاه مؤثر در زندگی است و به این خاطر، گاهی برای از دست‌دادن پدر استعمال می‌شود و گاهی فقدان مادر و یا معلّم (نک: مصطفوی، ۱۴۳۰، ۱۵/۱۴). به این جهت، علاوه بر کسی که پدرش فوت شده، به کسی که در زمان نیاز فاقد حمایت پدرش باشد و دختری که هنوز ازدواج نکرده یتیم گفته‌اند (نک: ابن‌درید، ۱۹۸۸، ۱۲۸۶/۳؛ ابن‌منظور، ۱۴۱۴، ۶۴۵/۱۲؛ زبیدی، ۱۴۱۴، ۷۷۳/۱۷؛ ازهری، ۱۴۲۱، ۲۴۲/۱۴؛ زمخشری، ۱۹۷۹، ۴۲۰/۳؛ ابن‌اثیر، ۱۳۶۷، ۲۹۲/۵). همچنین به علت اینکه عموماً تکیه‌گاه حیوانات، مادر است، در فقدان مادر به آن‌ها یتیم

می‌گویند(نک: جوهری، ۱۳۷۶، ۵/۲۰۶۴؛ ابن فارس، ۱۴۰۴، ۶/۱۵۴؛ ابن اثیر، ۱۳۶۷، ۲۹۱/۵).

۳- گاهی یتیم به معنای غفلت و دیر آمدن است(نک: ازهری، ۱۴۲۱، ۱۴/۲۴۲؛ زمخشری، ۱۹۷۹: ۷۱۱؛ فیروزآبادی، ۱۴۱۵، ۴/۱۷۲؛ ابن سیده، ۱۴۲۱، ۹/۵۲۹؛ ابن اثیر، ۱۳۶۷، ۵/۲۹۲)، چنانکه می‌گویند «الْیَتِیْمُ: الْبَطِیْءُ مِنَ الْخَیْلِ»(صاحب، ۱۴۱۴، ۹/۴۷۹)؛ به این خاطر به کودک بی‌سرپرست به علّت آنکه در توجّه و رسیدگی به امورش تأخیر و غفلت می‌شود یتیم می‌گویند. بنابراین می‌توان گفت فرد یتیم، کسی است که در شرایط تنهایی، عدم استقلال و نیازمندی به سر می‌برد. با از دست‌دادن کسی که نقش پدر را در حیات فرد دارد، او فاقد سرپرست و ناظری مهم خواهد بود؛ خواه مادرش این وظیفه را عهده‌دار بوده یا معلّمی دلسوز و وظیفه‌شناس. علاوه بر این، حتّی در زمان دوری و فراق از آن فرد مؤثر، همچنان کاربرد یتیم صحیح خواهد بود چراکه در این شرایط، تنهایی و احتیاج می‌تواند به وجود آید و به این اعتبار یتیم اطلاق شود.

۲. معنای اصطلاحی

الف. یتیم در قرآن

واژه «الیتیم» پنج بار، «یتیماً» سه بار، «یتیمین» یک بار، «الیتامی» چهارده بار و «یتامی» یک بار در قرآن ذکر شده است(نک: روحانی، ۱۳۶۶، ۳/۱۷۰۴ و ۱۶۹۳). جمع واژه یتیم در قرآن، «یتامی» است(قرشی، ۱۳۷۱، ۷/۲۵۹). این واژه در قرآن به معنای فرزند پدر از دست داده به کار رفته است(نک: ازهری، ۱۴۲۱، ۱۴/۲۴۲؛ ابن سیده، ۱۴۲۱، ۹/۵۲۹؛ زبیدی، ۱۴۱۴، ۱۷/۷۷۴). «راغب» می‌نویسد «الرَّغَبُ: انْقِطَاعُ الصَّبِيِّ عَنِ أُمِّهِ قَبْلَ بُلُوغِهِ»(راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۸۸۹).

ب. یتیم در احادیث

یتیم در روایات ائمه(ع) علاوه بر معنای قرآنی آن، به فردی که از امام خود دور مانده و دسترسی به شریعت ندارد نیز گفته شده و از او با عنوان «یتیم آل محمد(ص)» یاد شده است. از جمله ویژگی‌های این ایتم، عدم دسترسی به امام و عدم اطلاع از احکام و

شریعت بوده و برخی از نیازهای آنان، دریافت راهنمایی و رفع شبهات می‌باشد(نک: طبرسی، ۱۴۰۳، ۱۶/۱؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ۳/۲؛ نوری، ۱۴۰۸، ۳۱۸/۱۷).

توضیح آنکه یکی از کارکردهای روایات اهل‌بیت، شناخت معنای واژگان است که گاهی، معنای یک واژه را توسعه می‌دهند(نک: طیب حسینی، ۱۳۹۲: ۷۲؛ اصغرپور، معارف و پروینی، ۱۳۹۵: ۱۷). در این باره می‌بینیم که برخی با استناد به حدیث نبوی «أَشَدُّ مِنْ يَتِيمِ الْيَتِيمِ الَّذِي انْقَطَعَ مِنْ أُمَّه وَأَبِيهِ يَتِيمٌ انْقَطَعَ عَنْ إِمَامِهِ وَلَا يَقْدِرُ عَلَى الْوَصُولِ إِلَيْهِ ...» گفته‌اند «در این روایت، رسول خدا(ص) دایره معنای واژه «الیتیم» را گسترش داده و کسی را یتیم می‌شمارد که از امام‌اش دور افتاده و یارای دستیابی به او ندارد و به همین‌روی از احکام دین خود بی‌خبر است»(نک: اصغرپور، معارف و پروینی، ۱۳۹۵: ۱۹).

مشابه این روایت، در کتب متعددی از جمله «کتاب سلیم بن قیس الهمدانی» (هلالی، ۱۴۰۵، ۲۵۶/۱ و ۲۵۷)، «التفسیر» (حسن بن علی(ع)، ۱۴۰۹: ۳۳۹-۳۴۵)، «الإحتجاج» (طبرسی، ۱۴۰۳، ۱۵/۱-۱۸)، «مستدرک الوسائل» (نوری، ۱۴۰۸، ۳۱۷/۱۷-۳۲۰)، «بحار الأنوار» (مجلسی، ۱۴۰۳، ۲/۲-۹)، «سفینة البحار» (قمی، ۱۴۱۴، ۷۴۱/۸ و ۷۴۲)، «تفسیر الصافی» (فیض کاشانی، ۱۴۱۵، ۱۵۰/۱ و ۱۵۱)، «منیة المرید» (شهید ثانی، ۱۴۰۹: ۱۱۴-۱۱۹) و «البرهان فی تفسیر القرآن» (بحرانی، ۱۳۷۴، ۲۶۵/۱) نقل شده است. همچنین به نظر می‌رسد این معنا از سوی «مجلسی» (مجلسی، ۱۴۰۳، ۲۴/۲۴ و ۲۸۳؛ مجلسی، ۱۴۰۴، ۶۳/۵-۶۵) و «مازندرانی» (مازندرانی، ۱۳۸۲، ۲۴۴/۹) نیز گزارش شده است.

جایگاه یتیم قبل از اسلام

مرور شرایط تاریخی ایتم، به منظور ارائه تصویری از محیط پیدایش دستورات و توصیه‌های اسلامی در زمینه ایتم است چراکه با دقت در وضع جاهلی، کارکرد دین اسلام و همچنین قوانین آن، تبلور بیش‌تری خواهد یافت و می‌توان پی برد که اسلام برای احقاق حقوق یتیمان چگونه راه ظلم را بسته و مسیر عدالت را باز نموده است. البته مراد از دوره جاهلی، تنها دوره زمانی قبل از ظهور اسلام نیست و بستر ظهور اسلام و

فرهنگ مستقر میان مردم، محل نظر است. در شناخت جایگاه یتیم قبل از اسلام، توجه به چند عنصر در جامعه جاهلی لازم به نظر می‌رسد که در ادامه بررسی می‌شود:

۱.۲. وجود فرهنگ جنگ و دشمنی در دوره جاهلی: شاید از مهم‌ترین مشخصه‌های زندگی اعراب جاهلی، جنگ و خونریزی مداوم و اختلافات فراگیری بود که همه قبایل را در بر می‌گرفت. آن‌ها پیوسته در جنگ و نزاع بوده و از خون‌ریختن و خون‌خواهی دست نمی‌کشیدند، در نتیجه بسیاری کشته می‌شدند و فرزندانشان بی‌سرپرست می‌ماندند (نک: خزعلی، ۱۳۸۸: ۱۹۹؛ فائز، ۱۳۹۰: ۸۲ و ۸۳).

۲.۲. تقسیم ناعادلانه ارث در دوره جاهلی: اخبار وارده و نیز دقت در آیات ﴿كَيْفَ عَلَيْكُمْ إِذَا حَضَرَ أَحَدَكُمُ الْمَوْتُ إِنْ تَرَكَ خَيْرًا الْوَصِيَّةَ لِلْوَالِدَيْنِ وَالْأَقْرَبِينَ...﴾ (بقره/۱۸۰) (بر شما مقرر و لازم شده چون یکی از شما را مرگ در رسد، اگر مالی از خود به جا گذاشته است، برای پدر و مادر و خویشان ...) و ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا شَهَادَةُ بَيْنِكُمْ إِذَا حَضَرَ أَحَدَكُمُ الْمَوْتُ حِينَ الْوَصِيَّةِ إِنَّهُنَّ ذَوَا عَدْلٍ مِنْكُمْ وَأُوْخَرَانِ مِنْ غَيْرِكُمْ...﴾ (مائده/۱۰۶) (ای اهل ایمان! هنگامی که یکی از شما را [آثار] مرگ فرا می‌رسد، باید در حال وصیت، دو عادل از هم‌کیشان خود را بر وصیت شاهد بگیرید؛ یا اگر در سفر بودید و مرگ شما فرا رسید [و شاهدی از مؤمنان نیافتید] دو نفر از غیر هم‌کیشان خود را شاهد وصیت بگیرید ...) نشان می‌دهد که وصیت در اموال برجای مانده، قبل از اسلام، مرسوم نبوده و در جاهلیت، ارث مختص پسران بزرگ متوفی بود ... و همسر و دختران و فرزندان کوچک، از این مال بی‌بهره بودند (نک: خزعلی، ۱۳۸۸: ۱۳۰-۱۳۲). به طور کلی قاعده عمومی ارث در جاهلیت این بود که ارث، مخصوص فرزندان ذکوری است که شرایط بلوغ، قدرت حمل سلاح، سوارشدن بر اسب و شرکت در جنگ‌ها را داشته باشند و در غیر این صورت، عصبه (زدیکان مرد) ارث می‌برند (نک: علمچی میبدی، ۱۳۸۱: ۶۱؛ خزعلی، ۱۳۸۸: ۱۳۲).

۳.۲. جایگاه نامناسب زنان و ایتم در نظام جاهلی: نظام جاهلی به زن با دید تحقیر و خواری می‌نگریست، به طوری که از آغاز ولادت، خبر تولد او، موجب خشم و ناراحتی مرد جاهلی و زنده به گور نمودن فرزند تازه متولد شده می‌شد (نک: نحل/۵۸ و ۵۹) و در بزرگی نیز هرگز جایگاه مناسبی در جامعه جاهلی نمی‌یافت (نک: خزعلی، ۱۳۸۸، ۸۹-۹۱). بنابراین، قابل پیش‌بینی است که شرایط به مراتب بدتری برای دختران یتیم وجود

داشته باشد. قرآن کریم به رسم ظالمانه‌ای در مورد دختران یتیم اشاره دارد(نک: نساء/۱۲۷) که افرادی با دختران یتیمی که خود، بزرگ کرده بودند ازدواج می‌کردند و مهریه آن‌ها را نمی‌پرداختند(فائز، ۱۳۹۰: ۱۲۴ و ۱۲۵). از/بن عباس نقل شده که در جاهلیت، مردی که دختر یتیمی نزد خود داشت، لباسی روی او می‌انداخت و اگر چنین می‌کرد، تا ابد کسی نمی‌توانست با او ازدواج کند، در این صورت اگر زیبا بود خودش با او ازدواج می‌کرد و مالش را می‌خورد و اگر خودش نمی‌خواست، نمی‌گذاشت کسی با او ازدواج کند تا بمیرد و وارث مالش شود(نک: طباطبایی، ۱۳۹۰، ۱۰۰/۵).

جایگاه یتیم در فرهنگ اسلامی

وظایف و مسئولیت‌ها در مورد یتیم

سفارشات مختلفی در زمینه ایتم انجام شده است و از جمله آن‌ها یتیم‌نوازی، سرپرستی، عدم ظلم، اکرام و احسان و ... می‌باشد. در ادامه چند مورد از این وظایف ارائه خواهد شد.

۱. محبت و یتیم‌نوازی

«اطعام» یتیم که عموماً در جامعه انجام می‌شود، در فرهنگ اسلامی شعاع بیش‌تری دارد و توصیه به «اکرام» یتیم شده است(نک: فجر/۱۷). می‌توان گفت که قرآن کریم نه فقط رفع گرسنگی و برهنگی ایتم، بلکه مهم‌تر از آن، رفع کمبودهای عاطفی آن‌ها را مورد نظر خود قرار داده است(نک: مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ۴۶۳/۲۶). این رفتار به زیبایی در سیره علی(ع) وجود داشته است آنجا که نقل شده ایشان علاوه بر رفع گرسنگی و تشنگی فرزندان یتیم، به محبت و شادمانی آنان می‌پرداخت(نک: حلی، ۱۴۱۱: ۱۱۵؛ مکارم شیرازی، ۱۳۸۶، ۲۷۱/۱۰ و ۲۷۲؛ جوادی آملی، ۱۳۹۱: ۴۰۲).

احسان به ایتم در دو آیه ﴿... وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَبِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ...﴾ (نساء/۳۶) و نیکی کنید به پدر و مادر و خویشاوندان و یتیمان... و ﴿... وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ...﴾ (بقره/۸۳) و نیکی کنید به پدر و مادر و خویشان و یتیمان...، به طور مطلق مطرح شده و می‌توان گفت که احسان به یتیم مشروط به ایمان و تعبد او نیست؛ همچنین با اینکه در این آیات «حرف ترتیب» به کار نرفته اما به نظر می‌رسد که این

موارد به ترتیب اهمیّت ذکر شده و مراد آن است که احسان به ایّتام، اهمّ از احسان به مساکین است (نک: جوادی آملی، ۱۳۸۲، ۳۶۱/۵ و ۳۶۲). بخش دیگری از دایره توصیه قرآن نسبت به محبّت ایّتام، نهی از ظلم و بدی به آن‌هاست (نک: ماعون/۳ و ۲). در سوره «ضحی»، همگان از تحقیر یتیم نهی شده‌اند (نک: ضحی/۹) و در آیه «وَلْيَخْشَ الَّذِينَ لَوْ تَرَكَوْا مِنْ خَلْفِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ ضِعَافًا خَافُوا عَلَيْهِمْ فَلْيَتَّقُوا اللَّهَ...» (نساء/۹) (و کسانی که اگر فرزندان ناتوان پس از خود به جای می‌گذارند، بر آنان [از ضایع شدن حقوق‌شان] بیم دارند، باید [از اینکه حقوق یتیمان دیگران را ضایع کنند] بترسند. پس لازم است [نسبت به شأن یتیمان] از خدا پروا کنند...) خداوند جهت منع ظلم به ایّتام، به کسانی که نگران وضع فرزندانشان پس از مرگ خود هستند، توصیه می‌کند به ایّتام ظلم نکنند تا مبادا فرزندان خودشان مورد ظلم واقع شوند؛ علی(ع) نیز این مسأله را تأکید کرده‌اند و فرموده‌اند «هر کس حال یتیم را رعایت کند، حال فرزندان‌اش رعایت می‌شود» (نک: تمیمی آمدی، ۱۴۱۰: ۵۸۱، نوری، ۱۴۰۸، ۱۹۳/۱۳؛ فجری، ۱۳۸۸: ۹۳). می‌توان تحقیق این سنت الهی را به خوبی در داستان حضرت خضر(ع) و موسی(ع) جست‌وجو کرد، آنجا که در توصیف حال آن دو یتیم، اشاره به صالح بودن پدرشان شده است (نک: کهف/۸۲). محبّت توصیه شده نسبت به ایّتام، از جنس محبّت‌های درون‌خانوادگی است. در روایات ائمه احترام نسبت به یتیم، معیار شناخت بهترین و بدترین خانه‌ها شمرده شده (نک: نوری، ۱۴۰۸، ۴۷۴/۲؛ پاینده، ۱۳۸۲: ۴۷۱) و رسول خدا(ص) در بیان نحوه رفتار، فرموده‌اند «كُنْ لِلْيَتِيمِ كَالْأَبِ الرَّحِيمِ» (مجلسی، ۱۴۰۳، ۱۷۱/۷۴؛ فجری، ۱۳۸۸: ۸۳)؛ بنابراین می‌توان نتیجه گرفت اکرام مورد نظر ایشان همسان محبّت یک پدر به فرزند است که محبّتی همیشگی بوده و نیازهای مختلفی را پوشش می‌دهد. نمونه این رفتار، در سیره امیر مؤمنان(ع) نسبت به ایّتام دیده می‌شود که نقل کرده‌اند تفقّد ایشان به ایّتام به گونه‌ای بود که برخی آرزو می‌کردند ای‌کاش آنان نیز یتیم بودند (نک: مجلسی، ۱۴۰۳، ۲۹/۴۱؛ مکارم شیرازی، ۱۳۸۶، ۲۷۲/۱۰؛ فجری، ۱۳۸۸: ۸۲).

۲. آثار محبت و اکرام ایتم

الف. بهشت و رحمت الهی: قرارگیری در دایره رحمت الهی و رسیدن به بهشت در گرو پنج عمل عنوان شده و یکی از آنها مهرورزی نسبت به یتیم است (نک: ابن بابویه، ۱۳۷۶: ۳۷۹؛ حرّ عاملی، ۱۴۰۹، ۱۵۶/۱۲؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ۲/۷۲).

ب. پاداش بسیار برای دست کشیدن بر سر یتیم: رسول خدا (ص) در مورد ثواب دست کشیدن بر سر یتیم وعده داده‌اند که به عدد هر موی یتیم که از زیر دست می‌گذرد، خداوند متعال، مقام آن فرد را یک درجه بالا می‌برد و برای هر مو، یک ثواب در نامه عمل وی می‌نویسد و برای هر مو یک گناه از او محو می‌کند (نک: حویزی، ۱۴۱۵، ۵۹۷/۵). امام صادق (ص) نیز در مورد پاداش این عمل فرموده‌اند که در مقابل هر مو، نوری در روز قیامت به او عنایت می‌شود (نک: ابن بابویه، ۱۴۰۶: ۱۹۹؛ حرّ عاملی، ۱۴۰۹، ۳۷۵/۲۱؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ۵/۷۲).

ج. رفع قساوت قلب: از جمله پاداش‌های دیگری که برای محبت و دست کشیدن بر سر یتیم ذکر شده رفع قساوت قلب است. از رسول مکرم اسلام نقل شده «هر کس دچار قساوت قلب است چنانچه یتیمی را نزد خود آورده و با او ملاطفت و مهربانی کند و دست بر سر او کشد، به إذن خدا دل‌اش نرم می‌شود» و در حدیث دیگری آمده «چنانچه یتیم را بر سفره خود بنشانند و دست بر سر او بکشند، دل‌اش نرم می‌شود» (نک: ابن بابویه، ۱۴۰۶: ۱۹۹؛ ابن بابویه، ۱۴۱۳، ۱۸۸/۱؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ۵/۷۲).

البته می‌بایست دقت شود این پاداش‌های بسیار که برای عمل ظاهراً آسانی، مطرح شده است، شاید نشان‌دهنده جایگاه مهمّ تکریم آنان باشد، نه اینکه تصوّر شود صرف دست کشیدن، بدون صرف هزینه یا بدون ابراز محبت، که سودی هم برای ایتم ندارد، مستحقّ چنین پاداش‌هایی خواهد بود.

۳. سرپرستی و کفالت

یکی از نمونه‌های اخلاق عملی، سرپرستی ایتم و قبول کفالت آن‌هاست. کودک یتیم نیازمند رفع نیازهای متعدّدی بوده و شاید مهم‌ترین نیاز، حضور در کانون خانوادگی و داشتن فردی به عنوان تکیه‌گاه در مسائل است. در فرهنگ اسلامی یکی از راه‌های

پیشنهادی آن است که کودکان یتیم، جزو عائله انسان قرار گیرند و در این شرایط زیست نماید(نک: بقره/۲۲۰ و مغنیه، ۱۴۲۴، ۱۳۳/۱ و مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ۱۲۲/۲ و ۱۲۳). البته سرپرستی و کفالت ایتم، درجه بالاتری از توجه را نیازمند خواهد بود چراکه مسلماً سرپرستی، تکلیف بالاتری نسبت به اطعام و اکرام یتیم بوده و علاوه بر رفع نیازهای زندگی، تربیت و راه‌نمایی مسیر زندگی یتیم را نیز بر دوش خود دارد. قرآن کریم و روایات معصومین(ع) این وظیفه مهم را مورد تذکر خود قرار داده‌اند(نک: ضحیٰ/۹ و بقره/۲۲۰؛ تمیمی آمدی، ۱۴۱۰: ۵۳۹؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ۹/۷۲).

آثار و نتایج سرپرستی ایتم

الف. بهشت و هم‌جواری با رسول خدا(ص): سرپرست یتیم، علاوه بر وعده بهشت(نک: مجلسی، ۱۴۰۳، ۴/۷۲)، نسبت‌اش به پیامبر(ص)، همسان نزدیکی دو انگشت اشاره و میانی دانسته شده است(نک: مجلسی، ۱۴۰۳، ۳/۷۲؛ حویزی، ۱۴۱۵، ۵۹۷/۵؛ نوری، ۱۴۰۸، ۴۷۴/۲). از ایشان نقل شده «أنا وكافل الیتیم كهاتین فی الجنة إذا أتقی الله عز وجل، وأشار بالسبابة والوسطی»(حویزی، ۱۴۱۵، ۵۹۷/۵).

ب. رهایی پدر از عذاب قبر: از پیامبر خدا(ص) نقل شده که فردی به خاطر سرپرستی یتیم توسط فرزندش، از عذاب قبر رهایی یافت(نک: ابن‌بابویه، ۱۳۷۶: ۵۱۲؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ۲/۷۲؛ حرّ عاملی، ۱۴۰۹، ۳۳۸/۱۶).

رعایت حقوق مالی

در حوزه حقوق مالی ایتم چهار بخش قابل بررسی به نظر می‌رسد که در ادامه ارائه می‌گردد:

۱. چگونگی صحت اختلاط اموال یتیم و سرپرست: با توجه به آیه ۲۲۰ «بقره»، نمی‌توان گفت که در رابطه با مخلوط‌شدن اموال سرپرست و یتیم، ممنوعیت مطلق وجود دارد چراکه هم در این آیه و هم در روایات(نک: عیاشی، ۱۳۸۰، ۱۰۸/۱؛ کلینی، ۱۴۲۹، ۷۰۱/۹؛ حرّ عاملی، ۱۴۰۹، ۲۵۴/۱۷) این اختلاط در حدود و چارچوب‌هایی پذیرفته شده است؛ به عنوان نمونه از امام صادق(ص) سؤال شد که «دختر برادری دارم

که یتیم است، گاهی هدیه‌ای برای او می‌آورند من نیز از آن می‌خورم. آنگاه از مال خودم به او غذایی می‌دهم و می‌گویم: پروردگارا! این، در مقابل آنکه خوردم. حضرت فرمود: اشکالی ندارد» (مجلسی، ۱۴۰۳، ۲۷۲/۷۶). ذیل آیه ۲۲۰ «بقره» گفته‌اند در صورتی که نیت فرد اصلاح باشد و به سان یک برادر، با ایتام رفتار کند چنانچه زندگی و اموال آن‌ها با زندگی و اموال او مخلوط گردد مشکلی نخواهد بود (نک: مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ۱۲۲/۲ و ۱۲۳)؛ بنابراین مشخص می‌شود میزان، در اختلاط اموال، توجّه به صیانت و محافظت اموال ایتام است و استفاده بیش از حدّ نیاز، ورود به دایره تجاوز اموال ایشان تلقی خواهد شد.

۲. نحوه مصرف و نگهداری اموال ایتام: به نظر می‌رسد اصل مشترک در مصرف و پس‌انداز اموال ایتام، توجّه داشتن به مصلحت یتیم و اصلاح امور اوست. در این راستا، در مواقعی حفظ اموال ایشان تکلیف خواهد بود تا ایتام بتوانند برای ادامه زندگی خود از آن استفاده کنند. نمونه این مطلب در داستان حضرت خضر (ص) و موسی (ص) مشاهده شد که یکی از موارد انجام گرفته، ترمیم دیواری بود که در حفظ مال دو یتیم، نقش مهمّی داشت (نک: کشف/۷۷)؛ با چنین فعالیت‌هایی اموال آن‌ها مصون مانده و در آینده قابل بهره‌برداری خواهد بود. همچنین در مواقعی مصرف اموال ایتام نیز مجوز خواهد داشت. به عنوان نمونه تصرفاتی مانند حقّ الزحمه، استقراض و تجارت، تحت شرایطی بلامانع است که توضیح آن می‌آید:

حقّ الزحمه: سرپرست یتیم در قبال زحماتی که به خاطر حفظ یا افزایش اموال او متحمّل می‌شود، با رعایت عدالت و انصاف، می‌تواند حقّ الزحمه خود را از اموال یتیم بردارد (نک: طوسی، ۱۴۰۷، ۳۴۰/۶؛ حرّ عاملی، ۱۴۰۹، ۲۵۰/۱۷) که البته در این گونه تصرف، نیز شرایطی بیان شده است. چنانکه /مام صادق فرموده‌اند در صورتی که رسیدگی به امور ایتام، مانع کسب و کار سرپرست نشود، نباید از اموال ایتام برداشت کند (نک: عیاشی، ۱۳۸۰، ۲۲۱/۱ و ۲۲۲؛ کلینی، ۱۴۲۹، ۶۹۷/۹ و ۶۹۸؛ طوسی، ۱۴۰۷، ۳۴۰/۶) اما اگر وظیفه سرپرستی، وی را از طلب معیشت باز بدارد، می‌تواند به اندازه متعارف از آن اموال مصرف کند (نک: عیاشی، ۱۳۸۰، ۲۲۱/۱ و ۲۲۲؛ حرّ عاملی، ۱۴۰۹، ۲۵۳/۱۷؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ۸۷/۲۷). در آیه ﴿... وَمَنْ كَانَ غَنِيًّا فَلْيَسْعِفْ وَمَنْ كَانَ فَقِيرًا فَلْيَأْكُلْ

بِالْمَعْرُوفِ...» (نساء/۶) (... و از سرپرستان ایتام] آنکه توان گر است باید] از تصرف در مال یتیم به عنوان حق الزحمه] خودداری کند؛ و هر که تهیدست است به اندازه متعارف مصرف نماید... نیز دریافت حق الزحمه مورد اشاره قرار گرفته اما دو نهی هم بیان شده که در صورت ارتکاب آن‌ها، تصرف به ناحق خواهد بود. مکارم شیرازی ذیل این آیه می‌گوید سرپرستان ایتام اگر متمکن و ثروتمندند نباید به هیچ عنوانی از اموال ایتام استفاده کنند و اگر فقیر و نادار باشند تنها می‌توانند در برابر زحماتی که به خاطر حفظ اموال یتیم متحمل می‌شوند با رعایت عدالت و انصاف، حق الزحمه خود را از اموال آن‌ها بردارند(نک: مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ۲۷۲/۳).

استقراض: از امام صادق(ع) نقل شده که قیّم می‌تواند از مال یتیم قرض بگیرد(نک: کلینی، ۱۴۲۹، ۷۰۷ و ۷۰۶/۹؛ حرّ عاملی، ۱۴۰۹، ۲۵۹/۱۷) ولی همواره تذکر داده شده است که نیت اینگونه تصرف، باید بازگرداندن اموال باشد تا مشمول عذاب «خورنده مال یتیم» نشود(نک: فیض کاشانی، ۱۴۰۶، ۳۰۷/۱۷؛ حرّ عاملی، ۱۴۰۹، ۲۵۹/۱۷؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ۲۷۱/۷۶).

تجارت: سودمند بودن کسب و کار، از شروطی است که برای تجارت با مال یتیم وجود دارد و به صرف نیت پسندیده، مجوّز دست‌بردن به اموال او صادر نمی‌شود. این مسأله در آیات ابتدایی سوره «نساء»(نک: نساء/۲) مورد تذکر قرار گرفته که حیف و میل‌هایی که با اموال ایتام صورت می‌گیرد و یا افراد، اموال بد خود را با اموال خوب ایتام مخلوط می‌کنند تا همه اموال را مالک شوند، جوازی ندارد و باید ترک شود(نک: مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ۲۵۰/۳). شرط دیگری که قابل اشاره است این است که صرف کسب سود، مجوّز تجارت با مال یتیم نبوده و وضعیّت مالی سرپرست نیز مهم است. از امام صادق در همین زمینه نقل شده که اگر فرد، به اندازه‌ای ثروتمند است که در صورت از دست رفتن ثروت یتیم می‌تواند آن را جایگزین کند اشکالی ندارد، ولی اگر اینقدر ثروتمند نیست، به مال و ثروت یتیم دست نزند(نک: کلینی، ۱۴۲۹، ۷۰۵ و ۷۰۴/۹؛ طوسی، ۱۴۰۷، ۳۴۲/۶؛ حرّ عاملی، ۱۴۰۹، ۲۵۷/۱۷).

بنابراین، می‌بینیم حتی در صورتی که سود حاصل به طور کامل به یتیم واگذار شود، باز شرط تمکن مالی سرپرست باید برقرار باشد تا بتواند دست به تجارت بزند. همچنین در صورتی که کسب و کار زیان‌ده باشد، باید خسارت جبران شود.

۳. محلّ تأمین هزینه‌های سرپرستی ایتام: یکی از راه‌های پیشنهادی برای تأمین هزینه‌ها، انفاق به ایتام باشد. قرآن مجید در بیان اوصافی از نیکان، انفاق ایشان به ایتام را ذکر کرده است (نک: انسان/۸ و ۹)؛ همچنین در آیاتی دیگر ضمن توجّه دادن به انفاق ایتام (نک: انفال/۴۱ و حشر/۷)، اولویت داشتن ایتام خویشاوند را بیان کرده (نک: بلد/۱۴ و ۱۵) و مسئولیت سنگین‌تر خویشاوندان نسبت به ایتام فامیل خود، مورد اشاره بوده است (نک: مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ۳۰/۲۷). راه دومی که برای این منظور پیش رو خواهد بود، استفاده از شیوه‌های تصرف صحیح در اموال ایتام است، که شرح آن آمد.

۴. توجّه به عدم تصرف ظالمانه در اموال ایتام: چنانکه در توصیف عصر جاهلی آمد، یکی از آفاتی که در زمینه ایتام وجود داشت، تصرفات بی حدّ و حصری بود که انجام می‌گرفت و با توجّه به اهمّیت این موضوع شاهد نهی‌های مکرری هستیم که در ادامه به بررسی آن می‌پردازیم.

در آیه ﴿إِنَّ الَّذِينَ يَأْكُلُونَ أَمْوَالَ الْيَتَامَىٰ ظُلْمًا إِنَّمَا يَأْكُلُونَ فِي بُطُونِهِمْ نَارًا وَسَيَصْلَوْنَ سَعِيرًا﴾ (نساء/۱۰) (بی تردید کسانی که اموال یتیمان را به ستم می‌خورند، فقط در شکم‌های خود آتش می‌خورند، و به زودی در آتش فروزان در آیند) و روایات (نک: کلینی، ۱۴۲۹، ۲۰۵/۱۵؛ ابن‌بابویه، ۱۴۱۳، ۳۷۷/۴؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ۲۶۷/۷۶) تصرف نابجا در اموال ایتام تقبیح شده و شدت توجّه قرآن نسبت به این امر چنان است که با لحنی که در مورد اعمال منافی عفت به کار می‌برده (نک: مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ۱۰۹/۱۲)، می‌گوید ﴿وَلَا تَقْرَبُوا مَالَ الْيَتِيمِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ...﴾ (انعام/۱۵۲ و اسراء/۳۴) (و به مال یتیم جز به روشی که نیکوتر است، نزدیک نشوید...). همچنین خوردن مال یتیم جزو گناهان کبیره شمرده شده (نک: عیاشی، ۱۳۸۰، ۲۲۵/۱؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ۱۰/۷۲؛ حویزی، ۱۴۱۵، ۴۴۹/۱) که یکی از آثار آن، آتش است (نک: نساء/۱۰).

آثار تصرف ظالمانه در اموال ایتام

عقوبت و مجازات‌های تجاوز به مال یتیم را طبق بیان امام صادق می‌توان در دو بخش بیان نمود: عذاب دنیوی و عذاب اخروی (نک: عیاشی، ۱۳۸۰، ۲۲۳/۱؛ بحرانی، ۱۳۷۴، ۳۱/۲؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ۸/۷۲ و ۱۳).

۱. عذاب دنیوی: یکی از موارد عذاب دنیوی این است که ظلمی که در حق ایتام صورت گرفته، نسبت به فرزندان ظالم انجام می‌گیرد (ابن بابویه ۱۴۰۶: ۲۳۴؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ۱۳/۷۲؛ حویزی، ۱۴۱۵، ۴۴۷/۱) و در قرآن کریم این سنت الهی ذکر شده است (نک: نساء/۹).

۲. عذاب اخروی: یکی از موارد عذاب اخروی آتش دوزخ است که در آیه ۱۰ «نساء» از آن یاد شده؛ پیامبر گرامی اسلام در توصیف عذاب این افراد فرموده‌اند که در روز قیامت از دهان‌هایشان آتش زبانه می‌کشد (نک: عیاشی، ۱۳۸۰، ۲۲۵/۱؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ۱۰/۷۲؛ حویزی، ۱۴۱۵، ۴۴۸/۱ و ۴۴۹). در رابطه با کم‌ترین مقداری که فرد با انجام آن، مستحق عذاب است مقدار «یک درهم» (نک: عیاشی، ۱۳۸۰، ۲۲۵/۱؛ ابن بابویه ۱۴۱۳، ۴۱/۲؛ حرّ عاملی، ۱۴۰۹، ۴۸۳/۹) و «دو درهم» (نک: عیاشی، ۱۳۸۰، ۲۲۴/۱؛ حرّ عاملی، ۱۴۰۹، ۲۶۰/۱۷؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ۸/۷۲) ذکر شده است؛ اما به نظر می‌رسد معیار، صرف کمیت نیست چراکه از امام رضا در جواب چنین سؤالی نقل شده که فرمودند هنگامی که نیت فرد، برگرداندن مال به یتیم نباشد، کم و زیاد تفاوتی ندارد (نک: مجلسی، ۱۴۰۳، ۱۳/۷۲).

وظایف و مسئولیت‌ها در مورد یتیم آل محمد (ص)

با توجه به ویژگی‌های یتیم آل محمد (ص) شاید بتوان گفت که علمای دینی، خصوصیات سرپرست یتیم آل محمد را دارا هستند. این مطلب با توجه به نیازهایی که برای این ایتام شمرده شده و نیز توجه در وظایف و تکالیف علمای دینی، روشن‌تر خواهد شد.

در روایتی از امام هادی توصیفات از علما ذکر شده و فرموده‌اند: «لَوْ لَأَ مَنْ يَبْقَى بَعْدَ غَيْبَةِ قَائِمِنَا (ع) مِنَ الْعُلَمَاءِ الدَّاعِينَ إِلَيْهِ وَالذَّالِّينَ عَلَيْهِ وَالذَّابِّينَ عَنْ دِينِهِ بِحُجَجِ اللَّهِ

وَالْمُنْقِذِينَ لِضَعْفَاءِ عِبَادِ اللَّهِ مِنْ شِبَاكِ إِبْلِيسَ وَمَرَدَّتِهِ وَمِنْ فِخَاخِ النَّوَاصِبِ لِمَا بَقِيَ أَحَدًا إِلَّا ارْتَدَّ عَنْ دِينِ اللَّهِ...» (مجلسی، ۱۴۰۳، ۶/۲)؛ بنابراین اگر در زمان غیبت علمایی نباشند که چهار وظیفه دعوت مردم، راهنمایی جامعه، ایستادگی در مقابل دشمنان و نجات مردم از دام‌های شیطان را بر عهده بگیرند، مردم همگی از دین خدا برمی‌گردند و این مطلب نشان‌دهنده جایگاه مهم علما می‌باشد. همچنین در توصیف یتیم آل محمد و نقش سرپرست آن‌ها، تعبیری مانند «جدّم فی إرشاد»، «یخرجه من جهله»، «یوضح له ما اشتبه علیه»، «فواساه من علومنا» (نک: طبرسی، ۱۴۰۳، ۱۶/۱؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ۳/۲؛ نوری، ۱۴۰۸، ۳۱۸/۱۷ و ۳۱۹) به کار رفته و این مؤید این نکته است که در روایات محلّ بحث، کارکرد سرپرست ایشان، صرف موعظه و تبلیغ نبوده و دفع عملی موانع هدایت و وصول به نور علم معصومین مورد تأکید بوده است، همچنان که سرپرست یتیم نیز او را پناه و امنیت می‌بخشد.

آثار توجه نسبت به یتیم آل محمد(ص)

الف. برتری نسبت به دیگران: در توصیف برتری یافتن سرپرست ایتام آل محمد، شاهد تعبیر مختلفی هستیم. رسول گرامی اسلام برتری کفیل یتیم آل محمد را نسبت به سرپرست یتیم معمول، مانند نسبت خورشید و ستاره سه‌گانه گفته‌اند (نک: طبرسی، ۱۴۰۳، ۱۶/۱؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ۳/۲؛ نوری، ۱۴۰۸، ۳۱۸/۱۷) و امام صادق ایشان را هزاران بار برتر از مجاهدانی که از مرزهای جغرافیایی پاسداری می‌کنند، برشمرده‌اند (طبرسی، ۱۴۰۳، ۱۷/۱)؛ همچنین از ایشان نقل شده که «در قیامت خداوند عالم و عابد را برمی‌انگیزد و هنگامی که هر دو در برابر خدا ایستادند به عابد خطاب شود: به سوی بهشت رهسپار شو، اما به عالم ندا آید: بمان و به سبب اینکه مردم را نیکو تربیت کردی از آنان شفاعت کن» (نک: ابن بابویه، ۱۳۸۵، ۳۹۴/۲؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ۱۶/۲). امام رضا نیز به این مطلب اشاره کرده و فرموده‌اند: «در قیامت به عابد خطاب شود: بنده خوبی بودی، برای حفظ خود تلاش کردی و خود را نجات دادی و کاری به دیگران نداشتی، پس داخل بهشت شو ... به فقیه ندا رسد: ای سرپرست یتیمان آل محمد، و هدایت

کننده دوستداران و شیعیان ناتوان، بایست تا هر که از تو علمی آموخته، شفاعت نمایی، پس می‌ایستد و گروه‌گروه تا ده‌گروه را وارد بهشت می‌کند» (طبرسی، ۱۴۰۳، ۱۷/۱).
ب. قصرهای بهشتی و نعمات فراوان: در توصیف احوال سرپرست یتیم آل محمد آمده است که در قیامت خداوند به او خطاب می‌کند: «ای بنده کریم و غمخوار! من به کرم و بخشندگی از تو سزاوارترم. ای فرشتگان من! به تعداد هر حرفی که به او آموخته است، هزارهزار قصر در بهشت‌ها برایش بسازید و از دیگر نعمت‌هایی که در خور این قصرهاست به آن‌ها اضافه کنید» (طبرسی، ۱۴۰۳، ۱۶/۱ و ۱۷؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ۴/۲؛ نوری، ۱۴۰۸، ۱۷/۳۱۸ و ۳۱۹).

ج. تاجی از نور و لباسی فاخر: از علی(ع) درباره وضع کافل یتیم آل محمد در قیامت نقل شده که «بر سرش تاجی از نور است که عرصه محشر را منور می‌کند و بر بدن او حله‌ای پوشیده شده که تمام این دنیا ارزش کم‌ترین رشته این حله را ندارد» (طبرسی ۱۴۰۳، ۱۶/۱). امام هادی نیز در وصفی نزدیک، احوال آنان را اینگونه بیان کرده‌اند که «روز قیامت وارد می‌شوند در حالی که بر سر هر یک از آنان تاج کرامتی است و از آن‌ها انواری ساطع می‌شود که در عرصه قیامت منتشر می‌شود» (مجلسی، ۱۴۰۳، ۷/۲).

نتیجه بحث

نتایج بررسی‌ها در این نوشتار به صورت ذیل است:

۱. ریشه «یتیم» به معنای بروز نیازمندی، تنهایی و عدم تکیه‌گاه در زندگی است و یتیم در قرآن به معنای کسی که پدر خود را از دست داده است، می‌باشد.
۲. واژه یتیم در روایات ائمه توسعه معنایی یافته و برای افراد دورمانده از امام نیز استعمال می‌شود.
۳. اسلام علاوه بر توجه به تأمین نیازهای مادی، با توصیه به قبول سرپرستی و کفالت، محبت پدران، تکریم ایتام و ... رفع نیازهای عاطفی و معنوی ایتام را مد نظر دارد.
۴. محور مشترک در رابطه با اموال ایتام، دقت در صیانت و محافظت از اموال آنان بوده و در این راستا، گاهی حفظ و پس‌انداز و گاهی برخی تصرفات مشخص، قابل بکارگیری است.

۵. یتیم آل محمد نیازهایی مانند آموزش، هدایت و رفع شبهه دارد که وضعیتی به مراتب دشوارتر از یتیم مرسوم در جامعه داراست و کفیل او نیز مرتبه بالاتری را نسبت به سرپرست یتیمان معمول برخوردار می‌شود.



کتابنامه

قرآن کریم.

- ابن اثیر، مبارک بن محمد. ١٣٦٧ش، **النهاية في غريب الحديث والأثر**، تحقيق و تصحيح محمود محمد طنحی و طاهر احمد زاوی، قم: مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان.
- ابن بابویه، محمد بن علی. ١٣٧٦ش، **أمالی الصدوق**، تهران: کتابچی.
- ابن بابویه، محمد بن علی. ١٣٨٥ق، **علل الشرائع**، قم: کتابفروشی داوری.
- ابن بابویه، محمد بن علی. ١٤٠٦ق، **ثواب الأعمال وعقاب الأعمال**، قم: دار الشریف الرضی للنشر.
- ابن بابویه، محمد بن علی. ١٤١٣ق، **من لا یحضره الفقیه**، تحقيق و تصحيح علی اکبر غفاری، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- ابن درید، محمد بن حسن. ١٩٨٨م، **کتاب جمهرة اللغة**، بیروت: دار العلم للملایین.
- ابن سیده، علی بن ابراهیم. ١٤٢١ق، **المحکم والمحیط الأعظم**، تحقيق عبدالحمید هنداوی، بیروت: دار الکتب العلمیه.
- ابن فارس، احمد بن فارس. ١٤٠٤ق، **معجم مقاییس اللغة**، قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
- ابن منظور، محمد بن مکرم. ١٤١٤ق، **لسان العرب**، بیروت: دار صادر.
- ازهری، محمد بن احمد. ١٤٢١ق، **تهذیب اللغة**، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- بحرانی، سید هاشم بن سلیمان. ١٣٧٤ش، **البرهان فی تفسیر القرآن**، تحقيق قسم الدراسات الإسلامیه مؤسسه البعثة، قم: مؤسسه بعثة.
- پاینده، ابوالقاسم. ١٣٨٢ش، **نهج الفصاحة** (مجموعه کلمات قصار حضرت رسول صلی الله علیه وآله)، تهران: دنیای دانش.
- تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد. ١٤١٠ق، **غرر الحکم ودرر الکلم**، تحقيق و تصحيح سیدمهدی رجائی، قم: دار الکتب الإسلامی.
- جوادی آملی، عبدالله. ١٣٨٢ش، **تسنیم: تفسیر قرآن کریم**، قم: مرکز نشر اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله. ١٣٩١ش، **مفاتیح الحیاة**، قم: مرکز نشر اسراء.
- جوهری، اسماعیل بن حماد. ١٣٧٦ق، **الصحاح: تاج اللغة وصحاح العربیة**، تحقيق احمد عبد الغفور عطار، بیروت: دار العلم للملایین.
- حرّ عاملی، محمد بن حسن. ١٤٠٩ق، **تفصیل وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة**، قم: مؤسسه آل البيت(ع).
- حسن بن علی(علیه السلام). ١٤٠٩ق، **التفسیر**، قم: مدرسه الإمام المهدی(عج).

- حلی، حسن بن یوسف بن مطهر. ۱۴۱۱ق، **کشف الیقین فی فضائل أمير المؤمنين**، تحقیق حسین درگاهی، تهران: وزارت ارشاد.
- حویزی، عبد علی بن جمعه. ۱۴۱۵ق، **تفسیر نور الثقلین**، تصحیح هاشم رسولی، قم: اسماعیلیان.
- خزعلی، انسیه. ۱۳۸۸ش، **تصویر عصر جاهلی در قرآن**، تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد. ۱۴۱۲ق، **مفردات ألفاظ القرآن**، بیروت: دار القلم.
- روحانی، محمود. ۱۳۶۶ش، ۱۳۷۲ش، **المعجم الإحصائی لألفاظ القرآن الکریم**، مشهد: مؤسسه طبع و نشر الآستانة الرضویة المقدسة.
- زبیدی، محمد بن محمد مرتضی. ۱۴۱۴ق، **تاج العروس من جواهر القاموس**، تحقیق و تصحیح علی شیری. بیروت: دار الفکر.
- زمخشری، محمود بن عمر. ۱۹۷۹م، **أساس البلاغة**، بیروت: دار صادر.
- شهید ثانی، زین الدین بن علی. ۱۴۰۹ق، **منیة المرید**، تحقیق رضا مختاری، قم: مکتب الإعلام الإسلامی.
- صابونی، محمد علی. ۱۴۲۱ق، **صفوة التفاسیر**، لبنان - بیروت: دار الفکر.
- صاحب، اسماعیل بن عباد. ۱۴۱۴ق، **المحیط فی اللغة**، تحقیق محمدحسن آل یاسین، بیروت: عالم الکتب.
- طباطبایی، محمدحسین. ۱۳۹۰ق، **المیزان فی تفسیر القرآن**، لبنان - بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.
- طبرسی، احمد بن علی. ۱۴۰۳ق، **الإحتجاج**، تحقیق و تصحیح محمد باقر خرسان، مشهد: نشر مرتضی.
- طوسی، محمد بن الحسن. ۱۴۰۷ق، **تهذیب الأحکام فی شرح المقنعه للشیخ المفید رضوان الله علیه**، تحقیق و تصحیح حسن الموسوی خرسان، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
- طیب حسینی، سید محمود. ۱۳۹۲ش، **درآمدی بر دانش مفردات قرآن**، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- علمچی میبدی، ملیحه. ۱۳۸۱ش، **یتیم در قرآن و حدیث**، تهران: شرکت چاپ و نشر بین الملل.
- عیاشی، محمد بن مسعود. ۱۳۸۰ق، **التفسیر**، تحقیق و تصحیح سید هاشم رسولی محلاتی، تهران: المطبعة العلمیة.
- فائز، قاسم. ۱۳۹۰ق، **سیمای عرب جاهلی از زبان قرآن و روایات**، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- فیروزآبادی، محمد بن یعقوب. ۱۴۱۵ق، **القاموس المحیط**، بیروت: دار الکتب العلمیة.

- فیض کاشانی، محمد محسن بن شاه مرتضی. ۱۴۰۶ق، **کتاب الوافی**، اصفهان: کتابخانه امام امیرالمؤمنین علی علیه السلام.
- فیض کاشانی، محمد محسن بن شاه مرتضی. ۱۴۱۵ق، **تفسیر الصافی**، تحقیق و تصحیح حسین اعلمی، تهران: مکتبه الصدر.
- فیومی، احمد بن محمد. ۱۴۱۴ق، **المصباح المنیر فی غریب الشرح الكبير للرافعی**، قم: مؤسسه دار الهجرة.
- قرشی، علی اکبر. ۱۳۷۱ش، **قاموس قرآن**، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
- قمی، عباس. ۱۴۱۴ق، **سفینه البحار**، قم: اسوه.
- کلینی، محمد بن یعقوب. ۱۴۲۹ق، **الکافی**، تحقیق مرکز تحقیقات دار الحدیث، قم: دار الحدیث.
- مازندرانی، محمد صالح بن احمد. ۱۳۸۲ق، **الکافی - الأصول والروضه**، تحقیق و تصحیح ابوالحسن شعرانی. تهران: المکتبه الإسلامیه.
- مجلسی، محمدباقر. ۱۴۰۳ق، **بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار(ع)**، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- مجلسی، محمدباقر. ۱۴۰۴ق، **مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول**، تحقیق و تصحیح سید هاشم رسولی محلاتی، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- مصطفوی، حسن. ۱۴۳۰، **التحقیق فی کلمات القرآن الکریم**، بیروت-قااهره-لندن: دار الکتب العلمیه-مرکز نشر آثار علامه مصطفوی.
- مغنیه، محمدجواد. ۱۴۲۴ق، **تفسیر الکاشف**، قم: دار الکتب اسلامی.
- مکارم شیرازی، ناصر. ۱۳۷۱ش، **تفسیر نمونه**، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
- مکارم شیرازی، ناصر. ۱۳۸۶ش، **پیام امام امیر المؤمنین(ع)**، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
- نوری، حسین بن محمد تقی. ۱۴۰۸ق، **مستدرک الوسائل ومستنبط المسائل**، تحقیق مؤسسه آل البيت علیهم السلام، قم: مؤسسه آل البيت(ع).
- هلالی، سلیم بن قیس. ۱۴۰۵ق، **کتاب سلیم بن قیس الهلالی**، تحقیق محمد انصاری زنجانی خوئینی، قم: الهادی.

مقالات

- اصغرپور، حسن، مجید معارف و خلیل پروینی. ۱۳۹۵ش، «**روش های اختصاصی اهل بیت علیهم السلام در تفسیر مفردات قرآن**»، مطالعات تفسیری، شماره ۲۸، صص ۷-۲۶.

رستمی نسب، زینب. ۱۳۹۶ ش، «تأثیر انس با قرآن بر بهداشت و سلامت روانی نوجوانان و جوانان»، فصلنامه مطالعات قرآنی، شماره ۳۰، صص ۳۷-۴۸.
فجری، محمد مهدی. ۱۳۸۸ ش، «یتیم و یتیم نوازی در اسلام»، مبلغان، شماره ۱۲۲، صص ۷۳-۹۴.

Bibliography

Persian

I. Books

Payandeh, Abu Al-Ghasem. 1382 SH, Nahj Al-Fasahah(Kalamaat-e-Qesaar-e-Hazrat-e-Rasul), Translation and compilation by Abu Al-Ghasem Payandeh. Tehran: Donya-e-Danesh.
Javadi Amoli, Abdollah. 1382 SH, Tasneem: Tafsir-e- Quran Karim. Qom: Nashre E'sraa.
Javadi Amoli, Abdollah. 1391 SH, Mafatih al-hayat. Qom: Nashre E'sraa.
Khazali, Ensie. 1388 SH, Picture of Pre-Islamic Arabia in Quran. Tehran: Amir kabir Publishing company.
Tayyeb Hossaini, S.M. Tayyeb. 1392 SH, An Introduction to Philology(Al-Mofradat) of the noble Quran. Qom: Research Institute of Hawzah and University.
Alam Chi Meybodi, Malihe. 1381 SH, Orphan in the Quran and Hadith. Tehran: International Publishing co.
Faez, Ghasem. 1390 SH, Picture of Pre-Islamic Arabia in viewpoint of Quran and traditions. Tehran: Elmi and Farhangi Publishing company.
Ghorashi, Ali Akbar. 1371 SH, Qamus Quarn. Tehran: dar ol-kotob al-Eslamiyeh.
Makarem Shirazi, Nasir. 1371 SH, Tafsir-e-Nemoune. Tehran: dar ol-kotob al-Eslamiyeh.
Makarem Shirazi, Nasir. 1386 SH, Payam Imam Amir-al-Mu'minin(as). Tehran: dar ol-kotob al-Eslamiyeh.

II. Articles:

Asgharpoor, Hasan, Majid Ma'aref and Khalil Parvini, 1395 SH, "Ahle Bayt's Special Methods in Commenting Words of the Holy Quran". Commentary Studies, Vol. 7, No 28, pp. 7-26.
Fajri, Mohammad Mahdi. 1388 SH, "Orphans and Reverence for Orphans in Islam". Moballegan. No 122. pp. 73-94.

Arabic Books

Ibn al-'Asir, Mobarak bin Mohammad. 1367 SH, al-Nahiyah fei al-Gharib al-Hadith and athar, Research and correction by Mahmoud Mohammad Tanahi and Taher Ahmad Zavie. Qom: Ismaili press Institute.
Inb babawayh, Mohammad bin Ali. 1376 SH, Amali Al-sadough. Tehran: Ketabchi.
Inb babawayh, Mohammad bin Ali. 1385 AH, Ilal ash-Sharai. Qom: Davari bookstore.
Inb babawayh, Mohammad bin Ali. 1406 AH, Thawab-al-aa'mal and Ighab-al-aa'mal. Qom: dar-al-sharif al-Razie for publication.

- Inb babawayh, Mohammad bin Ali. 1413 AH, Man la yah duruh al-faqih. Research and correction by Ali Akbar Ghaffarie. Qom: The Islamic Publishing House of the Community of Teachers of Qom Seminary.
- Ibn Duraid, Mohammad bin Hassan. 1988 AD, Ketab-o-Jamharata l-Lughah. Beirut: Dar Al-elm lil-mollaien.
- Ibn Seyyedeh, Ali bin Ibrahim. 1421 AH, Al-Mohkam-val-Mohit-ol-Azam. Research by Abd-ol-Hamid Hendavie. Beirut: dar al-kotob al-ilmiyah.
- Ibn-e-Fares, Ahmad. 1404 AH, Mo'jam Al maghayes al-Loghah. Qom: Maktab al-aa'lam al-eslamie.
- Ibn -Manzour, Muhammad bin Mokrem. 1414 AH, Lessan al-Arab. Beirut: Dar Saader.
- Azhari, Mohammad bin Ahmad. 1421 AH, Tahzib al-Lughah. Beirut: Dar ehya al-toras al-arabi.
- Bahrani, Seyyed Hashem bin Soleyman. 1374 SH, Al- borhan fei tafsir al-Quran. Research of the department of al-dirasaat al-eslamiah in Be'saat institute. Qom: Be'saat institute.
- Tamimi Amidi, abd al-Vahed bin Mohammad. 1410 AH, Ghurar Al-Hikam Wa Durar Al-Kalim. Research and correction by Seyyed Mahdi rajaie. Qom: Dar ol-kotob al-Eslami.
- Johari, Ismail bin Hammad. 1376 SH, Al-Ssehah: Taj-o-lloqah and Ssehah-ol-Arabiah. Research by Ahmed Abdul Ghafour attar. Beirut: Dar Al-elm lil-mollaien.
- Hoveizi, abd Ali bin Jomoah. 1415 AH, Tafsir Noor al-Saqlain. Correction bu Hashem rasouli. Qom: Esmacilian.
- Hurr Aamili, Mohammad bin Hasan. 1409 AH, Tafsil Wasa'il al-Shi'a ila Tahsil Masaa'il al-Shariaa'h. Qom: Al Al-beit(as) institute.
- Hasan bin Ali(as). 1409 AH, Al-Tafsir. Qom: school of Imam Mahdi(as.)
- Helli, Hasan bin Yousef bin Motahhar. 1411 AH, Kashf-ul-Yaghin fi Fazaiel-e-Amir Al-mo'menin. research by Hossein Dargahi. Tehran: ministry of guidance.
- Raghib Isfahani, Hussein bin Mohammad. 1412 AH, Mofradat Alfaaz Al-Quran, Beirut: Dar-ol-Ghalam.
- Rouhani, Mahmoud. (1366 SH)1372 SH, Al-mujam al Ihsai Li-Alfaz-el-Quran al-karim. Mashhad: Institute of Publishing for Astan Quds Razavi.
- Zubaidi, Mohammad bin Mohammad Morteza. 1414 AH, Taj Al Arus Min Jawahir Al Qamus. Research and correction by Ali Shirie. Beirut: dar-ol-Fekr.
- Zamakhshari, Mahmoud bin Umar. 1979 AD, Asaas Al-Balaghah. Beirut; Dar Saader.
- Shahid thaani, Zein-o-Din bin Ali. 1409 AH, Munyat al-murid. Research by Reza Mokhtari. Qom: Maktab al-aa'lam al-eslami.
- Sabouni, Mohammad Ali. 1421 AH, Safvatol Tafasir. Lebanon-Beirut: dar-ol-Fekr.
- Saheb, esmaiel bin abbad. 1414 AH, Al-mohit fi al-lughah. Research by Mohammad Hasan Al Yasin. Beirut: Alam al-kotob.
- Tusi, Mohammad bin al-Hasan. 1407 AH, Tahdhib al-Ahkam fi Sharh al-Muqni'ah lil-Sheikh Al-mofid. Research and correction by Hasan Al-mousavi Kharsan. Tehran: Dar ol-kotob al-Eslamiyeh.
- Tabataba'I, Mohammad Hossein. 1390 AH, Al-Mizan fi Tafsir al-Qur'an. Lebanon-Beirut: Al-aa'lamiy Institute LeL-matboaa't.
- Tabrisi, Ahmad bin Ali. 1403 AH, Al-Ihtijaj. Research and correction by Mohammad bagher kharsan. Mashhad: Morteza publication.
- Ayyashi, Mohammad bin Masoud. 1380 AH, Al-Tafsir. Research and correction by Seyyed Hashem rasouli Mahallati. Tehran: Al-matbaa'h al-elmiaa'h.
- Fayoumi, Ahmad bin Muhammad. 1414 AH, Al-Mesbah al-Munir Fie Gharib al-Shar'eh al-Kabir lil-Raafei. Qom: dar ol-Hejrah.

- Fairuzabadi, Mohammad bin Yaghoub. 1415 AH, Al-Qamus Al-Muhit. Beirut: dar al-kotob al-ilmiyah.
- Feyz Kashani, Mohammad Mohsen bin shah Morteza. 1406 AH, Kitab-ol-Vafi. Isfahan: Library of Imam Amir-al-Mu'minin Ali(as.)
- Feyz Kashani, Mohammad Mohsen bin shah Morteza. 1415 AH, Tafsir al-saafie. Research and correction by Hossein Aa'lamie. Tehran: Maktabata al-Sadr.
- Ghomi, Abbas. 1414 AH, Safeenath Al-Bahar. Qom: Osveh.
- Koleiny Mohammad bin Yaghoub. 1429 AH, Al-kafi. Research by dar Al-Hadith research department. Qom: dar Al-Hadith.
- Mazandarani, Mohammad Salih bin Ahmad. 1382 AH, Al-kafi-Usul and al-ruzah, research and correction by Abo Al-Hassan Shaa'rani. Tehran: Al-maktabah Al-Islamiah.
- Majlesi, Mohammed Baqer. 1403 AH, Bihār al-Anwār al-Jāmi'ah li-Durar Akhbār al-A'immat al-Aṭhār. Beirut: Dar ihyaa altouras alarabi.
- Majlesi, Mohammed Baqer. 1404 AH, Mir'at ul-Oqool. Research and Correction Seyyed Hashem Rasouli Mahallati. Tehran: Dar ol-kotob al-Eslamiyeh.
- Mostafavi, Hasan. 1430 AH, Al-Tahghigh fi Kalimat Al-Quran Al-Karim. Beirut-Cairo-London: Dar ol-kotob al-elmiaah- Allame Mostafavi Publishing Center.
- Mughniyeh, Mohammad Javad. 1424 AH, Tafsir Al- kashef, Qom: Dar al-Kotbub al-Islamie.
- Nouri, Hossein bin Mohammad Taghi. 1408 AH, Mostadrak Al-vasael and Mostanbet Al-masael. Research by Al Al-bait(AS) institute. Qom: Al Al-bait(AS) institute.
- Hilali, Sulaym bin Qays. 1405 AH, Kitab Sulaym Bin Qays Al Hilali. Research by Mohammad Ansari Zanjani Khouieni. Qom: Al-hadi.

“Orphans” and their Issues from Quran and Traditions Viewpoint

Seyyed Reza Moaddab: Assistant Professor, Quran & Hadith, Qom University

Mahmoud Qasemzadeh Khoskroodi: Post Graduate, Quran & Hadith, Qom University

Abstract

“Orphans” and their rights are of important social issues. According to multilateral importance of “orphans” and the priority of Quran’s Verses and Innocents’ traditions in order to survey Islam, the present paper seeks to represent some related concepts and subjects to “orphans” by a more precise viewpoint. Accordingly, besides studying the meaning of “orphan”, (some) Verses of Quran and Innocents’ traditions in which the assignments and responsibilities upon orphans are declared and surveyed. “Orphans” from Islam’s viewpoint – in a greater circle – include left individuals from religion and religious law.

Keywords: orphan, orphan’s status, honoring orphans, orphan’s property.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی